

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران

دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

کتاب الطهارة

سطح ۲

درس چهارم

استاد: حجت الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای مهاجری

اقسام و احکام آبها با توجه به اهمیتی که در عبادات و دیگر بخشهای فقه دارد، نوعاً در اوایل کتب فقهی مورد بحث قرار می‌گیرد. در درس قبل شش مسأله از مسائل مربوط با آبها بیان گردید و مستند سه مسأله مورد بررسی قرار گرفت. در این درس مستند سه مسأله باقی مانده مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

متن عربى

٤- و اما انه ليس بمطهر من الخبث، فهو المشهور بين الاصحاب ايضاً . و يكفى لاثبات ذلك عدم الدليل على ارتفاع الخبث به، بل الدليل على العدم موجود، كرواية بريد بن معاوية عن ابي جعفر عليه السلام : «يجزى من الغائط المسح بالاحجار و لا يجزى من البول الا الماء»، فانه بضم عدم الفصل بين البول و غيره يثبت المطلوب. هذا و المنسوب الى الفيض الكاشاني حصول الطهارة من الخبث بكل جسم مزيل للنجاسة و لو بالمضاف.

و المنسوب الى السيد المرتضى و شيخه المفيد : عدم كفاية ازالة النجاسة بكل جسم، بل لابد من تحقق عنوان الغسل الا انه لا يلزم كون الغسل بالماء بل يكفى كل مائع و لو كان هو المضاف

٥- و اما نتجسه بمجرد الملاقاة فهو متسالم عليه. و يمكن الاستدلال له بموثقة السكوني عن جعفر عن ابيه عليهما السلام: «ان علياً عليه السلام سئل عن قدر طبخت و اذا فى القدر فارة . قال يهرق مرقها و يغسل اللحم و يؤكل »^١ فانه بضم عدم الفصل يثبت العموم.

٦- و اما انه مع التدافع لا ينجس جميعه، فلانه لو كان يتدافع من العالى الى السافل مثلاً و لاقت النجاسة السافل، فلا يتنجس العالى بل السافل فقط: اما لانه مع التدافع يتحول المائع الى مائعين بالنظر العرفى، و لا موجب مع تنجس احدهما لتنجس الثانى او لان العرف لا يرى تاثر العالى بالنجاسة و مسالة كيفية السر اية حيث لم يرد فيها نص خاص فلا بد من تنزيلها على ما يراه لعرف.

١ . وسائل الشيعه، باب ٥ من ابواب الماء المضاف، حديث ٣.

مستند مسأله چهارم

مسائل شش گانه

در درس قبل شش مسأله بیان شد که عبارت بودند از:

مسأله اول:

آبها بر دو قسم هستند: آب مطلق و آب مضاف.

مسأله دوم:

آب مضاف خود به خود پاک است؛ مثلاً آب گل آلود یا آب هندوانه یا آب سائر میوه ها به خودی خود پاک است.

مسأله سوم:

آب مضاف باعث طهارت از حدث نیست و وضوء و غسل با آن صحیح نمی باشد.

مسأله چهارم:

آب مضاف باعث طهارت از خبث نیست و با آن نمی توان چیز متنجس را پاک نمود.

مسأله پنجم:

آب مضاف به مجرد برخورد با نجاست نجس می شود و لو اینکه مقدار آن بسیار زیاد باشد و لازم نیست که رنگ یا بو یا

مزه نجاست را به خود بگیرد.

مسأله ششم:

اگر آب مضاف با فشار به نجاست برخورد کند؛ مثلاً از بالا بر روی نجاست ریخته شود، فقط مقداری که به نجاست

برخورد نموده است نجس می شود و آبهای باقی مانده در ظرف نجس نمی شود با اینکه بین دو آب در حین برخورد

اتصال وجود دارد.

از این شش مسأله، مستند سه مسأله اول بیان شد و اکنون نوبت به بیان مستند مسأله چهارم به بعد می رسد.

مستند مسأله چهارم

مشهور علماء به این نکته قائل هستند که آب مضاف قابلیت تطهیر از خبث و نجاست را ندارد مثلاً با آب گلاب نمی توان

بدن یا لباس نجس را پاک نمود.

در مقابل به فیض کاشانی نسبت داده شده است که هر چیزی که از بین برنده نجاست باشد، پاک کننده از آن می باشد و لو اینکه از بین برنده نجاست آب مضاف باشد. همچنین به سید مرتضی و شیخ مفید نسبت داده شده است که ملاک مطهر بودن یک چیز، صدق عنوان «غسل» در هنگام استفاده از آن است و لو اینکه آب مضاف باشد؛ مثلاً اگر با گلاب لباسی را شستشو دهند، به خاطر اینکه عنوان «شستن» صدق می کند، لباس متنجس پاک می گردد ولی اگر با آب هندوانه این کار انجام پذیرد، به خاطر اینکه عنوان «شستن» صدق نمی کند بلکه عنوان آلوده کردن صدق می کند، لباس متنجس پاک نمی شود.

مستند قول مشهور دو دلیل است که عبارتند از:

الف. استصحاب نجاست: بعد از شستن نجاست با آب مضاف، شک می کنیم که آیا نجاست بر طرف شد یا نه در اینجا دلیلی برای برطرف شدن نجاست نداریم و لذا با استصحاب نجاست حکم به بقاء آن می نمائیم.

ب. روایت برید بن معاویه: «يجزى من الغائط المسح بالاحجار و لا يجزى من البول الا الماء»^۱ به این معنا که برای تطهیر از غائط مسح با سنگها کفایت می کند ولی برای تطهیر از بول، فقط آب کفایت می نماید و همانطور که بیان شد آب شامل آب مضاف نمی شود پس آب مضاف قابلیت تطهیر از بول را ندارد.

اشکال

در روایت فقط لفظ «بول» وارد شده است پس چطور آن را به تمام نجاسات سرایت می دهید و عدم قابلیت آب مضاف برای تطهیر از خبث را در مورد تمام نجاسات بیان می دارید؟

جواب

به ضمیمه قول به عدم فصل، مطلب روایت را به همه نجاسات سرایت می دهیم. توضیح مطلب اینکه علماء بین بول و غیر آن تفصیل نداده اند و برای همه نجاسات به یک نحو حکم کرده اند حال یا مثل مشهور قائل به عدم قابلیت تطهیر آن با آب مضاف هستند یا مثل فیض کاشانی و سید مرتضی و شیخ مفید قائل به قابلیت آب مضاف برای تطهیر از خبث و لو در بعضی از صور هستند، پس اگر ما با روایت ثابت کردیم که آب مضاف قابلیت تطهیر از بول را ندارد به ضمیمه قول به عدم فصل، این عدم قابلیت را به تمام نجاسات سرایت می دهیم.

FG ۱

تطبیق

۱. وسائل الشیعه، باب ۳۰ من احکام الخلو، حدیث ۲.

۴- و اما انه ليس بمطهر من الخبث، فهو المشهور بين الاصحاب ايضاً. و يكفي لاثبات ذلك عدم الدليل على ارتفاع الخبث به، بل الدليل على العدم موجود، كرواية بريد بن معاوية عن ابي جعفر عليه السلام: «يجزى من الغائط المسح بالاحجار و لا يجزى من البول الا الماء»^۱، فانه بضم عدم الفصل بين البول و غيره يثبت المطلوب.

۴- اما اينکه آب مضاف پاک کننده از حدث نیست نیز بین علماء مشهور است. و برای اثبات آن، عدم دلیل بر بر طرف شدن نجاست با آن کفایت می نماید، بلکه دلیل بر طرف نشدن نجاست با آن وجود دارد، مثل روایت بريد بن معاويه از امام باقر عليه السلام: «برای تطهیر از غائط، مسح با سنگها کفایت می کند و برای تطهیر از بول فقط آب کفایت می کند» زیرا با ضمیمه نمودن عدم فصل بین بول و غیر آن در کلمات علماء، مطلوب ما ثابت می شود.

هذا و المنسوب الى الفيض الكاشاني حصول الطهارة من الخبث بكل جسم مزيل للنجاسة و لو بالمضاف^۲.

این مطلب را در نظر داشته باش و به فیض کاشانی نسبت داده شده که طهارت از خبث با هر جسمی که از بین برنده نجاست باشد حاصل می شود و لو آن جسم آب مضاف باشد.

و المنسوب الى السيد المرتضى و شيخه المفيد: عدم كفاية ازالة النجاسة بكل جسم، بل لا بد من تحقق عنوان الغسل الا انه لا يلزم كون الغسل بالماء بل يكفي كل مائع و لو كان هو المضاف^۳

و به سید مرتضی و استاد او شیخ مفید نسبت داده شده است که: ازاله نجاست با هر جسمی کفایت نمی کند بلکه لازم است عنوان شستن تحقق یابد البته لازم نیست که شستن با آب باشد بلکه به هر مائعی و لو اینکه مضاف باشد، کفایت می نماید. (بنابر این در صورت تحقق عنوان شستن، آب مضاف پاک کننده از خبث خواهد بود).

Sco1: ۱۲:۱۵

مستند مسأله پنجم

نجس شدن آب مضاف به مجرد ملاقات با نجاست، مورد اتفاق علماء است و برای اثبات آن می توان از موثقه سکونی کمک گرفت. مضمون این روایت این است که از حضرت علی علیه السلام در مورد ظرف بزرگی که در آن موشی پیدا شده است سوال کردند و حضرت در پاسخ فرمودند: «آب و خورش غذا دور ریخته می شوند و گوشتها بعد از شستشو قابل استفاده می باشند». از اینکه در این روایت حضرت حکم به دور ریختن خورش غذا و شستن گوشتها نموده اند، فهمیده می شود که آب مضاف و لو اینکه زیاد باشد، به مجرد ملاقات با نجاستی مثل موش مرده نجس می شود.

نکته

اگر گفته شود که این روایت در مورد میته موش وارد شده است نه همه نجاسات، در جواب گفته می شود که به ضمیمه قول به عدم فصل، مطلب را به همه نجاسات سرایت می دهیم.

۱. وسائل الشیعه، باب ۳۰ من احکام الخلوه، حدیث ۲.

۲. الحدائق الناضره: ۴۰۶/۱.

۳. نفس المصدر: ۳۹۹/۱.

تطبيق

۵- و اما تنجسه بمجرد الملاقاة فهو متسالم عليه. و يمكن الاستدلال له بموثقة السكوني عن جعفر عن ابيه عليهما السلام: «ان علياً عليه السلام سئل عن قدر طبخت و اذا في القدر فارة قال يهرق مرقها و يغسل اللحم و يؤكل»^۱ فان بضم عدم الفصل يثبت العموم.

۵- و اما نجس شدن آب مضاف به مجرد برخورد با نجاست، مورد اتفاق است و می توان به موثقه سکونی از امام صادق از پدرش علیهما السلام: «از علی علیه السلام در مورد دیگی که در آن غذا پخته شده و در آن موشی یافت شده است، سوال شد فرمود آب (خورش) آن ریخته می شود و گوشت آن شسته و خورده می شود» استدلال نمود زیرا به ضمیمه عدم فصل (و اینکه علماء بین موارد مختلف نجاسات تفصیل نداده اند) عموم (حکم نسبت به غیر موش) ثابت می شود.

Sc02: ۱۶:۳۴

مستند مسأله ششم

مسأله ششم این بود که اگر آب مضاف با فشار به نجاست برخورد کند، همه آب نجس نفی شود و دلیل این حکم دو چیز است:

الف. در مواردی که آب مضاف از بالا بر روی شیء نجس ریخته شود، عرف، آبی که بر نجاست ریخته شده را غیر از آبی می داند که در ظرف باقی مانده است پس نجاست یکی بر نجاست دیگری دلالت نفی کند و آبی که در ظرف باقی مانده پاک است.

ب. در مواردی که آب مضاف از بالا بر نجاست ریخته شود، آبی که بالا است عرفاً از نجاست متاثر نشده است و نجاست به آن سرایت نکرده است و نجس شدن اشیاء به خاطر سرایت نجاست به آنها است و از آنجا که شرع ملاکی را در سرایت و تاثیر نجاست بیان ننموده است پس در این موارد به عرف مراجعه می شود و عرف هم به عدم سرایت و تاثیر نجاست در قسمت بالای آب مضاف حکم می کند پس قسمت بالای آب مضاف که عرفاً از نجاست متاثر نشده است، پاک است بله اگر آب مضاف از پایین یا مساوی نجاست، با فشار به آن برخورد نماید، ممکن است عرف قائل به تاثیر آن از نجاست شود و در نتیجه حکم به نجاست آن شود.

FG ۲

تطبيق

۶- و اما انه مع التدافع لا ينجس جميعه، فلانه لو كان يتدافع من العالي الى السافل مثلاً و لاقت النجاسة السافل، فلا يتنجس العالي بل السافل فقط: اما لانه مع التدافع يتحول المائع الى مائعين بالنظر العرفي، و لا موجب مع تنجس احدهما لتنجس الثاني ۶- و دلیل اینکه در صورت برخورد با فشار، همه آب نجس نفی شود، این است که اگر برخورد با فشار مثلاً از بالا به پایین باشد و نجاست با قسمت پایین آب مضاف برخورد نماید، قسمت بالای آب مضاف نجس نفی شود بلکه فقط

۱. وسائل الشیعه، باب ۵ من ابواب الماء المضاف، حدیث ۳.

قسمت پایین آن نجس می‌شود (دلیل این موضوع) یا این است که در صورت فشار داشتن، مائع مضاف در نظر عرف به دو مائع تبدیل می‌شود (و لو اینکه به نظر دقیق عقلی متصل باشد) و در این صورت دلیلی نیست که با نجاست یکی دیگری هم نجس شود.

او لان العرف لا یری تاثر العالی بالنجاسة و مسالة کیفیت السرایة حیث لم یرد فیها نص خاص فلا بد من تنزیلها علی ما یراه العرف.

و یا این است که عرف آب بالایی را متأثر از نجاست نفی داند و از آنجا که در مورد مساله کیفیت نجاست روایت خاصی وارد نشده است پس لازم است که آن را مطابق نظر عرف قرار دهیم (و بر طبق نظر عرف حکم به سرایت یا عدم سرایت بنماییم).

Score: ۲۵: ۰۲

چکیده

۱. عدم مطهریت آب مضاف از خبث، بین علماء مشهور است و می‌توان دو دلیل برای آن ذکر نمود:
الف. عدم دلیل بر رفع حدث بواسطه آب مضاف و استصحاب نجاست؛
ب. صحیحه برید بن معاویه به ضمیمه عدم فصل.
۲. در مقابل مشهور قول منسوب به فیض کاشانی و همچنین سید مرتضی و شیخ مفید قرار دارد که هر کدام به نحوی مطهریت آب مضاف از خبث را می‌پذیرند.
۳. تنجس آب مضاف به مجرد برخورد با نجاست بین علماء مشهور است و می‌توان به واسطه موثقه سکونی به ضمیمه عدم فصل بر آن استدلال نمود.
۴. در مواردی که آب مضاف با فشار به نجاست برخورد می‌نماید و آب مضاف مثلاً از بالا به پایین ریخته می‌شود، به دو دلیل می‌توان عدم تنجس قسمت بالای آب را ثابت نمود:
الف. آب بالا و آب پایین عرفاً دو آب محسوب می‌شوند.
ب. عرف سرایت نجاست به آب بالا (تاثر آب بالا از نجاست) را نفی پذیرد پس آب بالا نجس نفی شود.